



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و
مبانی حقوق

عنوان:

بررسی فقهی و حقوقی اولوالارحام
و اولی العصبات در ارث

نگارش:

نجمه پیرعباسی

استاد راهنما:

دکتر حسینعلی قاسمزاده

استاد مشاور:

دکتر عابدین مومنی

فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

فصل اول: کلیات و مفاهیم

- مقدمه ۱
- ۱- تعریف مسئله ۳
- ۲- سابقه و ضرورت ۳
- ۳- فرضیه ها و سوالات ۳
- ۴- اهداف ۴
- ۵- روش تحقیق ۴
- بخش اول: ارحام ۶
- الف: تعریف ارحام و عصبیات در لغت ۶
- ب: صله ارحام در قرآن ۷
- ج: صله ارحام در روایات ۸
- چ: بحث درباره اولو الارحام در قرآن ۱۱
- ح: آیا ارحام خارج از عصبیات هستند ۱۶
- بخش دوم: فتاوی مختلف درباره ارحام و قاطعین رحم ۲۰
- الف: فتاوی اهل سنت درباره ارحام و قاطعین رحم ۲۰
- ب ارحام در باب نفقات ۲۵

ج: ارحام در باب مصارف زکات	۲۶
بخش سوم	۲۷
الف: موجبات ارث	۲۷
۱- نسب به خط مستقیم	۲۷
۲- نسب به خط اطراف	۲۸
ب: اسباب ارث	۲۹
۱- زوجیت	۲۹
۲- ولاء عتق	۲۹
۳- ولاء ضامن جریره	۳۰
۴- ولاء امامت	۳۰
ج: مبنای تقسیم ارث در نزد شیعه	۳۲
د: مبنای تقسیم ارث نزد اهل سنت	۳۳
ه: مواد قانونی راجع به عصبات	۳۴

فصل دوم

بخش اول: مباحث مقدماتی در مورد تقسیمات ارث	۴۰
۱- رد	۴۰
۲- حجب	۴۰
۳- عول	۴۱

- ۴- تعصیب ۴۳
- بخش دوم: تقسیمات ارث از دیدگاه اهل سنت ۴۶
- ۱- صاحبان فروض ۵۱
- ۲- صاحبان عصبه ۵۲
- ۳- ذوی الارحام ۵۲
- بخش سوم تقسیمات ارث از دیدگاه شیعه امامیه ۵۴
- ۱- طبقه اول ۵۴
- ۲- طبقه سوم ۶۲
- ۳- طبقه سوم ۶۶
- بخش چهارم: مواد قانونی ارث ۶۹
- ۱- مواد قانونی در مورد فروض و صاحبان فروض ۶۹
- ۲- مواد قانونی سهم الارث طبقات مختلف ۷۱
- ۱-۲- سهم الارث طبقه اول ۷۱
- ۲-۲- سهم الارث طبقه دوم ۷۳
- ۳-۲- سهم الارث طبقه سوم ۷۶

فصل سوم

- بخش اول: ادله امامیه بر بطلان عول و تعصیب ۸۱
- ۱- دلیل عقلی ۸۱
- ۲- دلالت آیات مواریت ۸۱

- ۳- آیه اولو الارحام..... ۸۳
- ۴- آیه للرجال نصیبٌ.. (نسا.۹)..... ۸۸
- ۵- اجماع مسلمین ۹۲
- ۶- عدم اتفاق عامه بر عول..... ۹۸
- بخش دوم: ادله اهل سنت بر اثبات عول و تعصیب..... ۱۰۱
- ۱- دلیل قرآنی(سوره مریم. ۶۵)..... ۱۰۱
- ۲- دلایل روایی..... ۱۰۲
- ۱-۲- روایت ابن عقیل..... ۱۰۲
- ۲-۲- روایت ابن طاووس..... ۱۰۳

فصل چهارم

- بخش اول: ایرادات وارده به روایات اهل سنت..... ۱۰۶
- ۱- روایت ابن طاووس..... ۱۰۶
- ۱-۱- اشکال اول..... ۱۰۶
- ۱-۲- اشکال دوم..... ۱۱۰
- ۱-۳- اشکال سوم..... ۱۱۵
- ۱-۴- اشکال چهارم..... ۱۱۵
- ۱-۵- اشکال پنجم..... ۱۱۶
- ۱-۶- اشکال ششم..... ۱۱۶
- ۱-۷- اشکال هفتم..... ۱۱۹

۱۲۰	۸-۱ اشکال هشتم
۱۲۲	۹-۱ اشکال نهم
۱۲۲	۱۰-۱ اشکال دهم
۱۲۴	۱-۲ اشکال
۱۲۹	بخش دوم: اشکالات وارده به داستان ذکریا (مریم. ۶ و ۵)
۱۳۰	۱- اشکال اول
۱۳۰	۲- اشکال دوم
۱۳۰	۳- اشکال سوم
۱۳۰	۴- اشکال چهارم
۱۳۱	۵- اشکال پنجم
۱۳۲	۶- اشکال ششم
۱۳۹	نتیجه
۱۴۱	منابع و مأخذ

چکیده

معنای ارث ان است که به بازماندگان متوفی اموال و حقوق های او به حکم قانونی می رسد در نظام حقوقی اسلام این نهاد به رسمیت شناخته شده و در قران به آن تصریح شده و در روایات معصومین نیز شرایط و تقریرات آن توضیح داده شده است بنابراین ارث یکی از مسائل مهمی است که در گذشته و حال مردم با آن سروکار زیادی داشتند و دارند

ارث که حق قانونی و مسلم اقوام و نزدیکان می باشد به دلیل اختلافاتی که در میان فقهای اسلامی وجود دارد در برخی موارد- زیاد بودن مقدار ارثیه از تعداد وراث و یا کم بودن ارثیه از تعداد وراث- تبدیل به یک مسئله اختلافی شده ، زیرا بر اساس نظرات فقهی بعضی از مذاهب گاهی اوقات حق السهم خویشاوند نزدیک کمتر از حق واقعی خود می باشد

دراین تحقیق پس از بررسی دیدگاههای مذاهب شیعه و سنی و مبنای تقسیم ارث از دیدگاه هر یک به این نتیجه می رسیم که اولاً تقسیم بندی ارث بر طبق نظریه شیعه کاملاً تابع دلیل قطعی یعنی آیه قران می باشد زیرا که نص قران مقدم بر روایت است که اهل سنت از آن بعنوان دلیل استفاده کرده اند. ثانیاً تقسیم بندی بر اساس نظریه شیعه کاملاً ممدوح و اخلاقی است زیرا روابط خانوادگی را محکمتر می کند. درحقیقت امید اینکه شخص بتواند برای اطفال خود در آینده آسایش و رفاه بیشتری فراهم کند سبب تحریک ایشان به فعالیت بیشتر می شود.

کلید واژه ها : ارث ، بررسی فقهی ، بررسی حقوقی ، اولوالارحام ، اولوالعصبات

در طول تاریخ در میان اقوام و ملل مختلف برحسب عادات و سنن متداوله اجتماعی و قواعد مذهبی، مقررات و ضوابط خاصی در زمینه انتقال اموال متوفی و کسانی که می توانند به عنوان وارث مالک این اموال شوند، پدید آمده است و ارث بعنوان یکی از عوامل مملک یا ملکیت آور در نظام حقوقی اسلام و سایر نظامهای حقوقی پذیرفته شده است بستگان و اقربای متوفی به ترتیب و شرایطی که در هر نظام حقوقی مقرر شده مالک اموال و حقوق مالی او خواهد شد

قانون مدنی ایران در ماده ۱۴۰ ارث را یکی از اسباب تملک شمرده است و در ماده ۸۶۱ دو امر نسب و سبب را موجب ارث دانسته است.

همانطور که ملاحظه میشود اسلام زیر بنای ارث را رحم و خون قرار داد که خواست متوفی در بود و نبود او به هیچ وجه دخالت ندارد او چه بخواهد و چه نخواهد پسرش پسر اوست اصل رحم یعنی عنصری که مشترک است بین انسان و خویشاوندانش که در این عنصر فرقی بین مذکر و مونث و کوچک و بزرگش نیست هرچند که در بین آنان تقدم و تأخر است. یعنی با بودن طبقه اول نوبت به طبقه دوم نمیرسد آنکه مقدم است مانع ارث بردن موخر است چون هرچند همه اقربای میتند ولی نزدیک داریم و نزدیکتر و دور داریم و دورتر.

در این اصل بین مسلمین اختلافی وجود ندارد اما در بعضی موارد میان مسلمین در تقسیم ارث اختلافاتی وجود دارد که مسئله رحم را تحت الشعاع قرار میدهد

مال متوفی از سهم الارث وراثت زیادتر شود اهل سنت زیادی را به عصبه متوفی (خویشاوندان ذکور متوفی) رد می کنند در حالی که در این فرض گاهی فرزند متوفی که نزدیکتری شخص به او است موخر می شود و پسر عموی میت که دورتر است سهم بیشتر می برد مثلاً در موردی که وراثت متوفی منحصر باشند به یک پسر بیست و هشت دختر دو سهم از سهام برای پسر و برای هر یک از

دختران یک بیست و هشتم میماند و در همین جا اگر به جای پسر پسر عمو باشد اهل سنت بیست سهم از سی سهم را به دختران میدهند و باقیمانده به پسر عمو میرسد و حال آنکه سبب ارث پسر بنوت است ولی سبب ارث پسر عمو عمومیت است و دختران به متوفی نزدیکترند تا پسر عمو به متوفی.

بنابراین میبینیم که در این موارد اصل رحم زیر سوال می رود در حالی که مسئله ارث نه تنها از لحاظ فطری بلکه از لحاظ اخلاقی و اجتماعی قابل ملاحظه است زیرا سبب تقویت رابطه خانوادگی می شود در حقیقت امید والدین به اینکه بتوانند برای اطفال خود آسایش بیشتری فراهم نمایند سبب تحریک فعالیت پدر و مادر و تشویق آنها به زحمت کشیدن می گردد. اما اگر والدین بدانند که بعد از ایشان نتیجه زحمتکرد آنها به نزدیکترین آنها نمی رسد و به اشخاصی که رابطه دورتری با آنها دارند می رسد انگیزه شخص از بین می رود و شاید آدمیان به سن معینی که می رسیدند دیگر کار نمی کردند و آنچه را که تولید نمودند به مصرف می رساندند.

در این پایان نامه پس از بررسی مسئله رحم و جایگاه آن در قران و سنت و نظر فقهای شیعه و سنی در رابطه با صاحبان رحم به بررسی دلایل هر یک از مذاهب شیعه و سنی پرداخته و پس از نقد دلایل، اثبات می شود که نظریه شیعه که مبتنی بر ارث بری خویشاوندان رحمی از طبقه اول و بعد دوم و بعد سوم است، از سایر نظرات مستدل تر و قطعی تر میباشد زیرا همانطور که بیان می شود مهمترین دلیل شیعه بر اساس قران است اما مهمترین دلیل اهل سنت بر اساس روایتی است که ضعیف می باشد و همانطور که می دانید دلیل قران نص است و مقدم بر روایت است بنابراین همانطور که میرهن می شود جاری کردن نظرات فقهی شیعه در مباحث ارث مشروع تر و عقلانی تر از سایر نظرات فقهی مذاهب دیگر می باشد.

۱- تعریف مسأله:

مبنای استحقاق ارث در فقه مذاهب اسلامی متفاوت می باشد، در بعضی مذاهب مبنای استحقاق اولی الارحام است و در بعضی مذاهب مبنای استحقاق عصبه میباشد. اثری که این اختلاف مبنا ایجاد میکند در نقش استحقاق نیست بلکه در ترتیب استحقاق است، روی همین جهت سوالات زیر مطرح میشود.

۲- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

تاکنون تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده و پایان نامه های متعددی در جنبه های مختلف ارث به رشته تحریر در آمده است ولی تاکنون در جنبه خواص ارث ارحام و عصبات به صورت مفصل کار نشده و این ضرورت را می طلبد که در این مورد تحقیقی صورت گیرد.

۳- پرسشهای تحقیق:

(۱) مفهوم اولی الارحام و اولی العصبات چیست؟

(۲) ادله استحقاق اولی الارحام و اولی العصبات چیست؟

(۳) ریشه اختلاف در استحقاق اولی الارحام و عصبه چیست؟

(۴) آثار و نتایج ترتب استحقاق بر اولی الارحام و عصبات چیست

۴- هدفها

۴- فرضیه ها و سوالات تحقیق

۱- ارحام بستگان خونی بر اساس پیوند رحمی است، به عبارت دیگر خویشاوندانی است که

اساس آن بر یک رحم منتهی میشود و عصبات خویشان پدری میباشد که به پدر و پسر

ختم میشوند.

- ۲- آیات و روایات متعددی می توانند ادله فقها در زمینه اثبات مدعای خود باشد.
- ۳- حدیث طاووس را میتوان مرجع اختلاف بین شیعه و سنی دانست.
- ۴- نتیجه ادعای تعصیب، ارث بری عصبه می باشد و نتیجه ادعای شیعه ارث بری نزدیکان است.

هدف از این تحقیق احقاق حق طبیعی و مشروع وراثت از میزان ما ترک متوفی میباشد.

۵- روش تحقیق: انجام این تحقیق به صورت کتابخانه ای می باشد.

مقدمه:

در زمان جاهلیت عرب ارث از یکی از سه راه بود: از طریق "نسب" (نسب در نزد آنها تنها منحصر به فرزندان پسر بود و کودکان و زنان از بردن ارث محروم بودند!) و از طریق "تبنی" یعنی "پسر خواندگی" و از طریق "عهد" و "پیمان" که از آن تعبیر به "ولاء" می کردند. در آغاز اسلام که هنوز قانون ارث نازل نشده بود، به همین روش عمل می شد، اما به زودی مساله "اخوت اسلامی" جای آن را گرفت، و تنها مهاجران و انصار که با یکدیگر پیمان اخوت بسته بودند، از یکدیگر ارث می بردند، پس از مدتی که اسلام گسترش بیشتری پیدا کرد، ارث انتقال به خویشاوندان نسبی و سببی پیدا کرد، و حکم اخوت اسلامی در زمینه ارث منسوخ گشت و قانون نهایی ارث نازل گشت، که در آیات فوق و آیه ۶ سوره احزاب به آن اشاره شده است، آنجا که می فرماید: (وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ). این ها همه از نظر تاریخ مسلم است. البته جمله « وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامِ » اختصاص به مساله ارث ندارد، بلکه معنی وسیعی را می رساند که ارث جزء آن است.

بخش اول: ارحام

الف-تعریف ارحام و عصابات در لغت

کلمهٔ ارحام جمع رحم به فتح راء و کسر حاء در لغت به معنی محل به وجود آمدن جنین در شکم مادر است که بعد، بر مطلق قرابت نیز اطلاق شده، خواه این قرابت از ناحیهٔ پدر باشد خواه مادر و خواه صاحب فرضی یا هبه یا غیر این دو^۱ اما در اصطلاح علم فرائض، ذوی الارحام براقاری اطلاق می شود که نه صاحب فرضی باشند نه عصبه به این معنا که در کتاب و سنت. سهم مقدر و مشخصی برای آنان در نظر گرفته نشده باشد که در این صورت نه به عنوان ذی فرضی ارث می برند و نه از طریق تعصیب، مانند اولاد دختران، اولاد خواهران، دختران برادر، جد یا جده غیر صحیح^۱ عمه و خاله.

الارحام - القربات جمع رحم و هم القرابه و يقال علی من یجمع بینک و

بینه نسب و قیل من عرف بنسبه و ان بعد^۳.

(۱) احوال شخصیه ص ۴۷

۲) جد غیر صحیح کسی است که از طریق مادر با میت قرابت پیدا میکند مانند پدر مادر

۳) لسان العرب ج ۱

ارحام به معنای نزدیکان جمع رحم می باشد و می گوید خویشاوند کسی است که جمع شود بین تو و بین او بواسطه نسبی و همچنین گفته شده نزدیک و خویشاوند کسی است که شناخته شود بواسطه نسبش اگر چه نسبش دور باشد.

العصبه: الذین یرثون الرجل عن کلاله من غیر والد ولاولد .

عصبه: مردی است که ارث می برد از کلاله بدون والد و بدون فرزند

الکلاله: من سقط عنه طرفاه و هی ابوه و ولده- کل من لم یرثه ولدا و اباً او اخ

کلاله: کسی است که ساقط شده از او دو طرف یعنی پدرش و فرزندش به عبارت دیگر

کسی که ارث نمی بردند از او فرزند و پدر و برادر

همچنین در تعریف تعصیب آمده که از ریشه عصب به معنای بستن و محکم کردن است

و عصبه بر وزن طبقه خویشان ذکور شخص را گویند از آن جهت که دور انرا میگیرند و

پشت انرا میبندند

تعصیب در اصطلاح ارث: پرداخت مازاد از سهام معین به عصبه یعنی همهن خویشان

ذکور است

ب- صله ارحام در قران

خداوند ما را به صله ارحام بسیار سفارش کرده است. در قرآن کریم می خوانیم:

«... واتقوا الله الذی تساءلون به والارحام ان الله کان علیکم رقیباً»^۱

^۱ سوره نساء آیه ۱۰

و بترسید از خدایی که به نام او از یکدیگر می پرسید. (همگی به عظمت او اعتراف می کنید و هرگاه می خواهید از یکدیگر چیزی بپرسید و بگیرید، نام مقدس او را مطرح می کنید و می گوید تو را به خدا ...) و از خویشاوندان بهراسید (که مبادا قطع رابطه کنید) همانا خداوند رقیب (ومراقب) شماست.

۱۱)

«والذین یصلون ما امر الله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون الحساب... اولئک لهم عقبی الدار»^۲

(عاقلان کسانی هستند) که آنچه خداوند متعال امر به پیوند آن کرده (مانند صلہ رحم و دوستی پدر و مادر و محبت اهل ایمان) اطاعت میکنند و از خدا می ترسند و از سختی هنگام حساب می اندیشند ... اینها در عاقبت جایگاهی نیکو دارند.

«فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله فأصمهم و اعمی ابصارهم»^(۳)

آیا شما (منافقان) اگر از فرمان خدا و اطاعت قرآن روی بگردانید، یا در زمین فساد و قطع رحم کنید، باز هم امید (نجات) دارید.

همین منافقان هستند که خدا آنها را لعن کرده، گوش و چشمشان را کر و کور گردانیده است.

ج- صلہ ارحام در روایات

^۱ - تفسیر نور محسن قرائتی ج ۲ ص ۲۷۳

۲- سوره رعد آیه ۲۱ و ۲۲

۳- سوره محمد آیه ۲۲ و ۲۳

آنچه از آیات و روایات استفاده می شود، این است که صله ارحام واجب است و قطع آن از گناهان بزرگ شمرده می شود.

قرآن در موارد مختلف، قاطع رحم را ملعون و از رحمت الهی دور شمرده است. امام سجاد(ع) فرمود: «... از همنشینی با کسی که از خویشانش بریده است بپرهیز.»

چنانکه من یافتم چنین فردی درسه جای قرآن مورد لعنت واقع شده است:

۱- سوره بقره، آیه ۲۵ ...

۲- سوره رعد، آیه ۲۶ ...

۳- سوره محمد، آیات ۲۴ و ۲۵ ...

امام صادق(ع) فرمود: از «خالقه»^{۱(۱)} بپرهیزید؛ زیرا انسان را نابود می سازد. راوی پرسید: «خالقه» چیست؟

امام فرمود: قطع رحم.^۲

امام باقر(ع) می فرماید: رسول خدا(ص) فرمود: به حاضران و غایبان اتم و کسانی که هنوز به دنیای پامده اند تا روز قیامت، سفارش می کنم با خویشان خود بیبوندند، هرچند میان ایشان به اندازه یک سال راه رفتن فاصله باشد. همانا صله ارحام از اموری است که خدای متعال آن را بخشی از دین قرار داده است.^۳

^۱ - خالق از ریشه خلق به معنای کردن است

^۲ - ترجمه اصول کافی ج ۴ ص ۴۶

^۳ - گناهان کبیره شهید دستغیب ج ۱ ص ۱۶۴

طلحه بن زید از امام صادق(ع) چنین نقل کرده است: مردی از قبیله «خثعم» خدمت رسول خدا(ص)

رسید و عرض کرد: برترین چیز در اسلام چیست؟

فرمود: ایمان به خداوند.

پرسید: بعد از آن چیست؟

پاسخ داد: صله رحم.

ارزش پیوند با خویشاوندان

پیامبر اکرم(ص) فرمود: کسی که با جان و مال در راه صله رحم اقدام می کند، خداوند متعال اجر صد

شهید در نامه اعمالش می نویسد. و در برابر هر قدمی که در این راه بر می دارد، چهل هزار حسنه

برایش ثبت می کند و چهل هزار گناه از او محومی گرداند و او را چهل هزار درجه بالا برد؛ و مانند

این است که صد سال با صبر و استقامت خدای را بندگی کرده است^۱

پیامبر اکرم(ص) فرمود: ثواب صدقه ده برابر است. و قرض هجده برابر و ارتباط با برادران دینی بیست

برابر و پیوند با خویشان بیست و چهار برابر.^۲

علی بن ابی حمزه که از اصحاب امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) است می گوید: از امام(ع) پرسیدم:

مردی از سوی پدر و مادر و اقوام حج عمره و نماز و روزه به جای می آورد و صدقه می دهد. حکم آن

چیست؟^۱

۱- وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۵۴۶

۲- صله الرحم و قطعیتها سید حسن طاهری خرم آبادی ص ۴۴

امام(ع) فرمود: اشکالی ندارد. بلکه درقبال این اعمالی که برای آنها انجام می دهد، دو پاداش دریافت می کند.

۱- پاداش اعمالی که برای آنها انجام داده.

۲- پاداش صله رحمی که به این وسیله تحقق بخشیده است.

د- بحث درباره اولو الارحام در قران

الایه قوله تعالی فی سوره الاحزاب و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب

الله من المومنین و المهاجرین الا ان تفعلوا الی اولیائکم معروفاً^{۱۱}

یعنی صاحبان رحمها و خویشاوندیها بعض ایشان سزاوارترند ببعض دیگر در میراث بردن از یکدیگر در کتاب خدای تعالی از مومنان و آنان که هجرت کرده اند از مکه به مدینه به متابعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مگر آن که بکنید به دوستان خود کار مناسب که معلوم است در شرع یعنی وصیت.

روایت کرده اند که در صدر اسلام مومنان میراث می بردند از یکدیگر به علاقه مواخات و مهاجرت بنا بر آن که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون هجرت فرموده از مکه به مدینه عقد مواخات یعنی برادری انداخت میان مهاجرین و انصار. و مومنان به علاقه مهاجرت از یکدیگر میراث می بردند یا به علاقه مواخات و برادر خواندگی

^۱ - سوره احزاب آیه ۶

آیه شریفه دلالت می کند که خداوند متعال برای هر کسی اولی به تصرفی و وارثی قرار گذاشته که از ما ترک پدر و مادر و اجداد و جدات و سایر اقربا و خویشاوند و کسانی که با ایشان عقد و عهد بسته اند ارث می برند. و هم دلالت می کند پس از تذکر اجمالی به اسباب ارث و توارث خواه نسبی و خواه سببی بر این که واجب است بر حکام و مومنین نصیب هر یکی از وراث را از ما ترک مورث بتصرف ایشان بدهند چنانچه می فرماید فاتوهم نصیبهم.

به جهت این که خداوند بر همه چیز شاهد و عالم است ان الله کان علی کل شی شهِیداً بحیث لم یزل عالماً بجمیع الاشیاء مطلعاً علیها جلیها و خفیها فهو الحکیم الخبیر.

لا یخفی علی الفقیه ان فی ذلک تهدیداً و وعیداً علی من خالف حکمه سبحانه فی الفرائض و احکام الارث!

پس این آیت نازل شد جهت نسخ آن .

و مراد از کتاب الله لوح محفوظ است یا قرآن یا همین آیت یا آیت (یوصیکم الله).

و احتمال دارد که مراد علم الله باشد و کلمه من در (من المومنین) صله اولی است یا بمعنی تبعیض است یا بمعنی بیان.

و همچنین قوله تعالی (و اولوا الارحام) راجع به ولایت و حکومت است چنانچه در نزدیکی مذکور خواهد شد.

(۱) آیات الاحکام (الجرجانی)، ج ۲، ص ۵۷۱

و اما آن چه راجع به ولایت در ارث است آیه (اولوا الارحام) واقعه در سوره انفال است.
و بنابراین که آیه (اولی الارحام) راجع به ولایت در ارث است بعنوان حکم تاسیسی و
ابتدایی نه بعنوان نسخ

(۲) اظهر اینست که کلمه من المومنین و المهاجرین برای ایجاد و ارتباط میان مفضل و
مفضل علیه مذکور گردیده است.

باین معنی که ولایت بعض اولی الارحام به بعضی از مومنان و مهاجران زیادتر
است به جهت ولایت خدادادی با آن که آنها هم دارای فضیلت اند به سبب ایمان و
مهاجرت^۱.

مانند ولایت پیغمبر (ص) به همه مردم. چون که فضیلت ایمان و مهاجرت کسبی
است. اکثر مسلمانان در زمان صدور آیت ، دارای فضیلت ایمان و مهاجرت بودند و با این
حال دارای فضیلت ولایت امری و حکومتی (اعطایی) نبودند غیر از حضرت پیغمبر (ص)
بالاصاله و علی بن ابی طالب بالنیابه.

مراد از اولی الارحام صاحب ارحام و اقرباء حضرت پیغمبر (ص) است. یعنی چنانچه
حضرت پیغمبر (ص) اولی به مومنان از نفس آنها است هم چنان بعضی از اولی الارحام
وی به بعضی از جماعت اولی است از مومنان و مهاجران. مانند این که حضرت علی بن
ابی طالب علی السلام که از ارحام منسوب است به بعضی جماعت اولی است از مومنان و
مهاجران صاحبان فضیلت و کمال.

(۱) آیات الاحکام (الجرجانی)، ج ۲، ص ۵۷۲